

از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید

**جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای
اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور**

ننگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی

گسترده تر و مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی

جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل

و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت

حکومت اسلامی در ایران

- بازداشت دو نفر از کارگران معترض پتروشیمی رازی

- فراخوان شورای هماهنگی برای شرکت در کارزار حمایت از زندانیان

- تجمع اعتراضی جمعی از اهالی شهر مرزن آباد نسبت به صدور مجوز فعالیت معدن مرزن کوه

- معوقه فروردین ماه، بانک رفاه کارگران، بیمه های تکمیلی و خانه کارگر

- بیانیه مطالبه گران کف خیابان گیلان

علیه صدور حکم سه سال و شش ماه و یک روز زندان مسعود فرهیخته، معلم و فعال صنفی ایران

- جان باختن کارگر جوان کارخانه فولاد مکران بر اثر سقوط از ارتفاع بدنبال برق گرفتگی

*بازداشت دو نفر از کارگران معترض پتروشیمی رازی

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، صبح دیروز چهارشنبه ۲۲ مرداد، دو نفر از کارگران ارکان ثالث شرکت پتروشیمی رازی به نامهای احمد عساکره و احمد راشدی بازداشت شدند.

احمد عساکره و احمد راشدی از جمله ۵ کارگری بودند که روز دوشنبه ۲۰ مرداد توسط حراست به دادگاه منتقل و بدلیل نبود ادله برای بازداشت، توسط قاضی کشیک آزاد شده بودند.

بنا بر این گزارش، احمد عساکره به اتهام گذاشتن یک پیام انتقادی در فضای مجازی و احمد راشدی به دلیل درگیری لفظی با مدیر عامل شرکت پتروسامان بازداشت شده است.

"شرکت پترو سامان آوران رازی" پیمانکار تعمیر و نگهداری در شرکت پتروشیمی رازی است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران، تهدید و ارباب و بازداشت کارگران پتروشیمی رازی را که خواهان تحقق حقوق قانونی و انسانی خود هستند قویا محکوم میکند و با جلب توجه افکار عمومی و نهادهای کارگری مستقل داخلی و بین المللی به سرکوب کارگران پتروشیمی رازی، خواهان آزادی احمد راشدی و احمد عساکره و رسیدگی فوری به خواستهای کارگران ارکان ثالث پتروشیمی رازی است.

*فراخوان شورای هماهنگی برای شرکت در کارزار حمایت از زندانیان

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن تشکر از استقبال هموطنان از این کارزار انسانی، اسامی صد نفر بیستم امضا کننده این کارزار را منتشر می‌کند:

۱۹۰۱. آتوسا مهدوی، ۱۹۰۲. شادی مهربان، ۱۹۰۳. مجید احمدی پور، ۱۹۰۴. رحیم سرمدی، ۱۹۰۵. کامیار کاردان، ۱۹۰۶. مسعود عارفی، ۱۹۰۷. برزو سیف زاده، ۱۹۰۸. افشین افکاری، ۱۹۰۹. حمید سلطانی، ۱۹۱۰. زینب اسدی، ۱۹۱۱. بردیا پازوکی، ۱۹۱۲. تهمورث باوند، ۱۹۱۳. عاطفه یزدی، ۱۹۱۴. بهمن داوری، ۱۹۱۵. خشایار الویری، ۱۹۱۶. کوروش نادمی، ۱۹۱۷. پری سالاروند، ۱۹۱۸. سارا ناییبی، ۱۹۱۹. پرهام چالاک، ۱۹۲۰. شاهد آب پیکر، ۱۹۲۱. امیر حیدری، ۱۹۲۲. سهیلا سالور، ۱۹۲۳. نفس بغدادی، ۱۹۲۴. مبینا منفرد، ۱۹۲۵. مازیار شکیب، ۱۹۲۶. لیانا محمودوند، ۱۹۲۷. مهیار فرهیخته، ۱۹۲۸. صابر نجفیان پور، ۱۹۲۹. بهنوش سلطانی، ۱۹۳۰. مائده شریف، ۱۹۳۱. حسین عبدی آنر، ۱۹۳۲. علی مهر پویان، ۱۹۳۳. سعید رحمانی، ۱۹۳۴. فاطمه رضائی، ۱۹۳۵. ثریا نور، ۱۹۳۶. حسن اصلی، ۱۹۳۷. اکرم شیروی، ۱۹۳۸. محمد علی توحیدی، ۱۹۳۹. کمال نصیری، ۱۹۴۰. مجتبی بهشتی پور، ۱۹۴۱. حسین سیامکی، ۱۹۴۲. سپیده صولتی، ۱۹۴۳. مرجان مانا، ۱۹۴۴. فرنگیس نجاتی، ۱۹۴۵. یگانه سروری، ۱۹۴۶. یکتا باهنر، ۱۹۴۷. آیدا صبوری، ۱۹۴۸. شیما پرویزی، ۱۹۴۹. ستاره باقری، ۱۹۵۰. مهسا اینانلو،

۱۹۵۱. نازنین جمالی، ۱۹۵۲. فرهاد مردانی، ۱۹۵۳. کامران نیریزی، ۱۹۵۴. روزبه محمدی، ۱۹۵۵. آرمین سعیدی، ۱۹۵۶. دریا خیری، ۱۹۵۷. میلاد وحدتی، ۱۹۵۸. شاهین پورمند، ۱۹۵۹. سهراب کسرای، ۱۹۶۰. اشکان هداوند، ۱۹۶۱. صادق کشاورزی، ۱۹۶۲. پارسا گندمی، ۱۹۶۳. کسری احمدزاده، ۱۹۶۴. احسان الله لشنی، ۱۹۶۵. آرین تمجیدی، ۱۹۶۶. شروین منصور، ۱۹۶۷. کیوان کاظمی، ۱۹۶۸. آناهیتا مهدیان، ۱۹۶۹. یلدا هاشمی، ۱۹۷۰. محمدقاسمی، ۱۹۷۱. محمد حسنی عارفی، ۱۹۷۲. پروانه حاجی محمدی، ۱۹۷۳. محمد نور، ۱۹۷۴. زینب میرادی، ۱۹۷۵. ایرج کاردان، ۱۹۷۶. رحیم کامبخش، ۱۹۷۷. فرنگیس سلطانی، ۱۹۷۸. علی رضا طهماسبی، ۱۹۷۹. حسین رضا کمال وند، ۱۹۸۰. سیامک رحیمی، ۱۹۸۱. جمشید رضاییان، ۱۹۸۲. احمد رضا رضائی، ۱۹۸۳. سمیه عینی، ۱۹۸۴. عین اله شهبازیان، ۱۹۸۵. مهتاب

بیرجندی، ۱۹۸۶. صدیقه قنبر پور، ۱۹۸۷. وحید شآبادی، ۱۹۸۸. فریبا اله یاری، ۱۹۸۹. رضا بختیاری، ۱۹۹۰. حیدر سلطانیان، ۱۹۹۱. محمد جباری، ۱۹۹۲. برزو قاضیان، ۱۹۹۳. شیرین رضایی، ۱۹۹۴. حشمت سالار وند، ۱۹۹۵. اکبر خیر، ۱۹۹۶. جواد فلاحتی، ۱۹۹۷. مرضیه قادری، ۱۹۹۸. سلمان حیدری زاده، ۱۹۹۹. جهانگیر خوشبخت، ۲۰۰۰. رضا رمضان پور

هر روز اسامی صد نفر از امضا کنندگان منتشر خواهد شد. همچنان نیازمند حمایت و اشتراک گذاری لینک فراخوان در شبکه های اجتماعی از طرف شما هموطنان عزیز می باشیم

<https://forms.gle/QksTfqtabigYm5zbA>

*تجمع اعتراضی جمعی از اهالی شهرمرزن آباد نسبت به صدور مجوز فعالیت معدن مرزن کوه

فیلم و تصاویر منتشره در شبکه های اجتماعی، از تجمع اعتراضی روز پنج شنبه 23 مرداد جمعی از اهالی شهرمرزن آباد، شهرستان چالوس، استان مازندران نسبت به صدور مجوز فعالیت معدن مرزن کوه و آغاز فعالیت معدن در این شهر معروف به اکسیژن ایران در شهرستان چالوس، استان مازندران، خیر می دهند.



تجمع کنندگان با اشاره به تخریب زیست محیطی و آسیب به منابع طبیعی، خواستار توقف عملیات این معدن در منطقه بالا این شهر شدند.



*معوقة فروردین ماه، بانک رفاه کارگران، بیمه های تکمیلی و خانه کارگر

اسماعیل گرامی - کارگر بازنشسته

حسن صادقی (رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری و معاون دبیرکل خانه کارگر) در یک سخنرانی میگوید "بانک رفاه کارگران به تامین اجتماعی تعلق دارد و اگر ما محکم ایستاده بودیم مثل بانک سپه و مسکن و توسعه تعاون پابرجا مانده بود!" خُب، شما که فکر میکنید اگر "محکم ایستاده بودید"، بانک رفاه کارگران پابرجا مانده بود، خُب می ایستادید! چرا نه ایستادید؟! حسن صادقی ادامه میدهد: "امروز نیز وقت گرفتیم تا خدمت رئیس مجلس آقای قالیباف برسیم و با توضیح موضوع طرح دوفوریتی برای بازگشت بانک رفاه کلید بخورد". "محکم ایستادن" حسن صادقی آخرش همین است: "رفتن نزد قالیباف و توضیح موضوع تا طرح دوفوریتی برای بازگشت بانک رفاه کلید بخورد!" تو گویی این مجلسیان با دولت و یا هر نهاد دیگری که انتقال بانک رفاه را ترتیب داده است فرق دارد، و قالیباف با آن عروسکهای کوکیش میتواند (و همچنین میخواهد) جدا از سیاست کلی نظام؛ ساز مخالف بزند (کافی است نگاهی ببیند) به کارنامه قالیباف تا متوجه بشویم که چگونه همسو با دیگر شخصیت‌های حکومتی چه لایحه و برنامه های ضد کارگری را تصویب کرده است. (!)

باید به حسن صادقی گفت "شما میگویید در مقابل انتقال بانک رفاه کارگران اگر "محکم می ایستادید" از این انتقال جلوگیری میکردید، خُب؛ یعنی قدرت شما تا بدین اندازه زیاد است؟ اگر یزد دور است گز که نزدیک است!! بیایید "محکم بایستید" و این معوقه فروردین ماه را برای بازنشستگان بگیرید!" حسن صادقی خود میداند یک پهلوان پنبه بیشتر نیست! او میگوید "واریز معوقات بازنشستگان در مردادماه خبر نادرستی است؛ هرچند امیدواریم واقعیت پیدا کند! مسئولین سازمان تامین اجتماعی و وزیر کار که چنین خبری را اعلام کرده است باید پاسخگو باشند. اما باتوجه به اطلاعاتی که من دارم، بعید است که معوقات همراه با حقوق ماه جاری واریز شود."

اگر حسن صادقی پایبند به گفته های خود بود؛ اگر هدفش فریب بازنشستگان نبود، اکنون که این پرداخت را "بعید" میدانند، "محکم میایستاد" و در جهت آن اقدامی میکرد، نه آنکه بسنده کند به این جمله که "مسئولین سازمان تامین اجتماعی و وزیر کار که چنین خبری را اعلام کرده است باید پاسخگو باشند". پاسخگویی این مسئول یا آن مسئول برای ما "معوقه" نمیشود!! اینکه بنشینیم در خانه و مانند شما؛ ما هم "امیدوار باشیم"، بعد از گذشت زمان از این چندرغاز که چیزی نمیماند!! در رابطه با واگذاری بانک رفاه و اثرات منفی آن، باز هم او به همین شکل برخورد میکند. او میگوید "واگذاری بانک رفاه باعث شده پرداخت حقوق بازنشستگان از بیستم هر ماه به انتهای ماه منتقل شود. مدیرعامل وقت سازمان باید در این زمینه پاسخگو می شد"، باز هم درخواست "پاسخگویی"! یعنی هر بلاء و مصیبتی و هر تعرضی به حق و حقوق ما شد؛ ما فقط باید بنشینیم در خانه تا یک مسئولی "پاسخگو باشد"، که با این پاسخگویی تمام مشکلات ما حل میشود!

اعضای خانه کارگر که امروز سنگ سازمان تامین اجتماعی و یا بانک رفاه کارگران را به سینه میزنند، همان کسانی هستند که وقتی حکومت تصمیم گرفت "بیمه های تکمیلی" را به کارگران و بازنشستگان تحمیل کند، آنها به جای آنکه در مقابل این بیمه ها "محکم بایستند" برای این بیمه ها به به و چه چه میگفتند و برای آنها تبلیغات میکردند. آنها یک سایت "نام نویسی برای بیمه های تکمیلی" ساختند و این چنین تبلیغ کردند که "ما این سایت را ساختیم تا بازنشستگان برای نام نویسی مجبور نباشند تا به کانونها آمده و در آنجا نام نویسی کنند". خانه کارگری ها با هم کاسه شدن با "بیمه های تکمیلی"، کلی به ساختن این سایت خود افتخار هم میکردند و چپ و راست بعنوان خدمت، منت بر سر بازنشستگان می گذاشتند. امروزه که تمامی کارگران و بازنشستگان از این بیمه های تکمیلی (بخوان دزدان سر گردنه) ناراضی هستند، خانه کارگری ها "محکم ایستاده اند" تا این بیمه ها را اصلاح و بزرگ کنند؛ یعنی حاضر نیستند آنها منحل شوند! و خواهان اجرای ماده ۵۴ سازمان تامین اجتماعی نیستند.

حسن صادقی و دیگر اعضای خانه کارگر، این نهاد حکومتی؛ با حرفهای ضد و نقیض و فریبکارانه خود؛ جاده صاف کن سیاستهای ضدکارگری حکومت میباشند.

۲۲ مرداد ۱۴۰۴

*بیانیه مطالبه گران کف خیابان گیلان

علیه صدور حکم سه سال و شش ماه و یک روز زندان مسعود فرهیخته، معلم و فعال صنفی ایران

پرونده سازی علیه یک معلم صرفاً به دلیل شرکت در تجمعات مسالمت آمیز، بیان دیدگاههای انتقادی، همبستگی با خانواده های داغدار و دفاع از شأن و کرامت جامعه، نشان دهنده ادامه روند امنیتی سازی و سرکوب هر صدای مستقل در کشور است. چنین رویکردی، مغایر با اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و مقاوله نامه های سازمان جهانی کار است که کشور ایران نیز متعهد به اجرای آنهاست.

اگر حکمرانی بر مدار عقلانیت بود، از شکست های پیشین درس می گرفت و می پذیرفت که جرم انگاری فعالیت صنفی، تلاشی آگاهانه و مذبحخانه برای خاموش کردن صدای حق طلبی و حذف

تشکل‌های مستقل است. این احکام، نه عدالت را برقرار می‌کند و نه امنیت واقعی می‌آفریند؛ بلکه جامعه را به سمت بی‌اعتمادی و گسست اجتماعی بیشتر با حاکمیت سوق می‌دهد. زیرا همانا که زندان، تهدید و فشار بر معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان، نقض صریح کرامت انسانی و بی‌حرمتی به ساحت مقدس آموزش است.

ما مطالبه‌گران کف خیابان گیلان، با خشم و انزجار عمیق، صدور حکم سنگین و غیرعادلانه علیه آقای #مسعود_فرهیخته، معلم شجاع و فعال صنفی-سیاسی نیکنام، را به‌عنوان نقض آشکار حقوق بشر، آزادی بیان و آزادی تشکل محکوم می‌کنیم و خواهان لغو فوری و بی‌قید و شرط حکم زندان مسعود فرهیخته و آزادی تمام زندانیان سیاسی و پایان دادن به روند پرونده‌سازی و اتهام‌زنی به معلمان و کنشگران مدنی، عقیدتی، سیاسی هستیم.

تاریخ به‌روشنی قضاوت خواهد کرد که هر حکمی علیه حق و حقیقت، در نهایت علیه صادرکنندگان آن باز خواهد گشت.

ما سکوت نخواهیم کرد، چرا که بر این باوریم که صدای معلمان و کارگران و دانشجویان و همه اقشار جامعه، صدای آزادی و عدالت است.

#فقط_کف_خیابون_به_دست_میاد_حقمون

برگرفته از کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

***جان باختن کارگر جوان کارخانه فولاد مکران بر اثر سقوط از ارتفاع بدنبال برق‌گرفتگی**

روز چهارشنبه 22 مرداد، یک کارگر 25 ساله کارخانه فولاد مکران چابهار بنام پرویز رئیسی حین کار دچار برق‌گرفتگی شد و ارتفاع حدود 50 متری سقوط کرد و جان باخت.

akhbarkargari2468@gmail.com